



یادداشت

ملت ناراضی "رهبر" راضی!

صادق کار



داستان جالبی است، ملاک رضایت از هر نهادی نه ملت، بلکه خامنه‌ای است. روز گذشته در سومین سال فعالیت مجلس فرمایشی و ارتجاعی اعضای سر سپرده حکومتی مجلس به ملاقات خامنه‌ای رفتند تا دستورات لازم برای یک سال باقیمانده از مدت نمایندگی شان را از رهبر همه کاره شان بگیرند.

در همه جای دنیا رسم است روسای دولت برای کسب تکلیف به مجلس بروند، در نظام فقهاتی قضیه معکوس است. مجلس و رئیس جمهور بایستی هر چند وقت یکبار پیش رهبر بروند تا هم حساب پس بدهند و هم دستور کار بگیرند.

پس از بالا گرفتن کار اختلافات بین دستجات وابسته به پایداری و قالیباف و همچنین بین رئیسی و قالیباف و افشای قضیه ۷۵ خودرو شاسی بلند اهدایی وزیر صمت برای چرب کردن ریش و سیبیل نمایندگانی که قصد استیضاح او را داشتند توسط یکی از نمایندگان، خامنه‌ای آنها را احضار کرد تا آرام شان کند.

او پس از ذکر مصیبت‌های همیشگی و اظهار رضایت از عملکرد انقلابی نمایندگانی که با کمترین آرا و به ضرب و زور شورای نگهبان و نهادهای امنیتی و تقلب وارد مجلس شده اند، بطور سر بسته از آنها خواست. فیتیه اختلافات شان را پائین بکشند و تلاش او برای تشکیل حکومتی یکدست را نقش بر آب نکنند.

این مجلس همان مجلس ایده‌آلی است که خامنه‌ای به دنبالش بوده است. مجلسی سراپا گوش به فرمان و دنباله رو، متشکل از سرداران و سرهنگان سپاهی، آخوندهای همفکر مصباح یزدی، سر کردگان لباس شخصی ها و چماقداران و کار چاق کن های پشت هم انداز حرفه‌ای و در راس همه آنها یک سردار سرکوبگر و اختلاسگر حرفه‌ای بنام قالیباف که تلاشهای پیاپی اش برای نشستن بر صندلی ریاست جمهوری نتیجه‌ای جز خفت و خواری برایش به بار نیاورده است. اگر اکنون بر ریاست مجلس "انقلابی" سر سپردگان خامنه‌ای و دشمنان مردم تکیه زده است، به دلیل قطع الرجال و سر سپردگی قالیباف به بارگاه ولایت بوده است. طبیعی یک چنین مجلسی باید از طرف رهبر حکومت انقلابی خوانده شود و عملکرد اش مورد تشویق و عنایت او قرا بگیرد. مگر نه این است این همان مجلسی است که دو بار پیاپی با صدور بیانیه خواستار اعدام مخالفین و دستگیر شدگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی شد و لایحه ارتجاعی



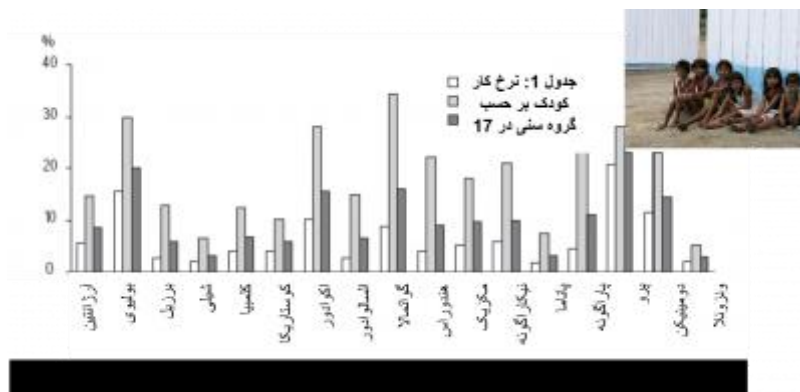
مجازات زنان مخالف حجاب اجباری را تصویب کرده است. و مگر همین مجلس نیست که لایحه بی حقوق سازی نیروی کار را که از آرزوهای خامنه‌ای و متحدین موثلفه‌اش بوده می‌خواهد به انجام برساند؟ این مجلس هر چه که تا کنون تصویب کرده علیه اکثریت مردم، به سود سرکوبگران مردم و نهادهای ارتجاعی تبلیغاتی رژیم و همراهی با سرکوبگران و کشتار و تشدید سانسور بوده اند؟ تورم ۷۰ درصدی، گسترش بیکاری، افزایش جمعیت زیر خط فقر، بیکار سازی های انجام شده در اثر فیلترینگ و قطع اینترنت، قانون مولد سازی، امتناع از رتبه بندی معلمان و همسان سازی حقوق بازنشستگان و... تنها نتیجه سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی دولت نیست مجلس نیز به اندازه دولت در پیشامد این وضع فاجعه بار و به قهقرا بردن کشور نقش و سهم داشته و در راستای اوامر علی خامنه‌ای بوده است. عملکرد مجلس فرمایشی در یک سال باقی مانده نیز در امتداد عملکرد سه سال گذشته آن خواهد بود. خامنه‌ای با سخنان خود چهار چوب انتخابات فرمایشی مجلس آینده را نیز ترسیم و روشن کرد که طالب مجلسی مانند مجلس کنونی است. مجلسی فرمایشی و ضد مردمی و گوش به فرمان او. از نظر سرکرده استبداد و ارتجاع حاکم، مجلس هر چقدر ضد مردمی تر باشد، انقلابی تر تلقی می‌شود

از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنشستگان، پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!

کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش سوم
برنامه بین المللی برای محو کار کودک
ژان مانیئات



ابعاد کار کودکان در آمریکای لاتین

بر اساس پیش بینیهای انجام شده در گزارش سازمان بین المللی کار در باره کار کودک در عرصه جهانی و راه های پیشگیری از آن، که در سال 2006 زیر عنوان "هدفی در دسترس" انتشار یافت، تخمین زده می شود که در سال 2004 بیش از 5.7 میلیون پسر و دختر 5 تا 14 ساله در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب در فعالیتهای اقتصادی شرکت داشته اند. این میزان معادل 5.1 درصد از کل دختران و پسران در آن گروه سنی



است. اگرچه طبق همین گزارش بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴، میزان کار کودک در آمریکای لاتین - هم مطلق، یعنی تعداد کودکان شاغل، و هم نسبی - کاهش یافته است، اما نرخ کار کودکان، به روزترین برآوردها گواه آن اند که کار کودکان همچنان یک مشکل مهم در این منطقه است

برای انجام مطالعه حاضر، نرخ کار کودکان برای گروه سنی ۵ تا ۱۴ ساله در ۱۷ کشور آمریکای لاتین، به غیر از اوروگوئه که فاقد اطلاعات در این باره بود، منظور شده است. این نرخ از نمونه برداریهای خانگی، که در فاصله سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ انجام شده و تقریب نزدیکی از ابعاد پدیده کار کودک را به دست می دهند، حاصل آمده است

در نمودار ۱ نرخ کار کودکان برای گروه های سنی ۵ تا ۱۱ سال، ۱۲ تا ۱۴ سال و ۵ تا ۱۴ سال در ۱۷ کشور آمریکای لاتین، ارائه شده است

مبتنی بر اطلاعات تکمیلی در این باره، اولین نتیجه مهم برای همه کشورهای این است که نرخ کار کودک برای پسران بیشتر از دختران است، وضعیتی که تحت تأثیر این واقعیت است که دختران عمدتاً به کارهای خانگی اشتغال دارند؛ و کار خانگی تقریباً همیشه مورد توجه قرار نمی گیرد

تجزیه و تحلیل گروه سنی ۵ تا ۱۱ نشان می دهد پرو کشوری است که بالاترین نرخ کار کودکان را دارد (۲۰.۷٪)، و پس از آن بولیوی (۱۵.۶٪)، جمهوری دومینیکن و اکوادور (به ترتیب ۱۱.۴٪ و ۱۰.۱٪) قرار دارند. سایر کشورهای پائین تری دارند و شیلی، ونزوئلا و پاناما، در انتهای آن قرار دارند (به ترتیب ۱.۹٪، ۱.۷٪ و ۱.۶٪). در میان جمعیت ۱۲ تا ۱۴ ساله، گواتمالا بالاترین نرخ کار کودک (۳۴.۵٪) را دارد. بولیوی (۲۹.۸٪)، و آن گاه با فاصله اندکی از هم، پرو و اکوادور (۲۸٪ در هر یک) کشورهای مذکور را تعقیب می کنند. سپس پاراگوئه، جمهوری دومینیکن، هندوراس و نیکاراگوئه با نرخهایی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد در جدول قرار می گیرد. پائینترین نرخها به کشورهای پاناما، شیلی و ونزوئلا تعلق دارند

حال اگر تعداد مطلق جمعیت کودکان کار را در نظر بگیریم، آمار جمعیت شناسی مرکز آمریکای لاتین و کارائیب نشان می دهد که توزیع دختران و پسران بین ۵ تا ۱۱ ساله مصداق تعریف کودک کار، در این ۱۷ کشور لاتین تقریباً چنین است: نزدیک به ۲۰٪ کودکان کار در پرو، تقریباً به همین میزان در مکزیک و حدود ۱۶٪ در برزیل اند. به این ترتیب سه نفر از هر پنج کودک کار در آمریکای لاتین در گروه سنی ۵ تا ۱۱ ساله، به یکی از آن سه کشور تعلق دارند

از سوی دیگر، از کودکان کار ۱۲ تا ۱۴ ساله، عملاً نیمی از آنها برزیلی و مکزیک (هر کدام ۲۵٪) و ۱۰٪ اهل پرو اند، به طوری که این سه کشور با هم باز ۶۰٪ را کل کودکان کار را تشکیل می دهند

سرانجام این که این اعداد تصویر روشنی از جدی بودن مشکل کار کودکان در آمریکای لاتین و نیاز به مداخلات گسترده برای ریشه کن کردن این پدیده را نشان می دهد؛ مداخلاتی که به این کودکان فرصت دهد به کمال رشد کنند. آنها شایسته و محق چنین فرصتی اند

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!

تیک تیک انفجار جمعیت زیر خط فقر!



صادق



وضعیت تهی دستان جامعه که تعدادشان نیز سال به سال بیشتر می شود براستی غمبار است. اخیرا یکی از نمایندگان مجلس تشخیص مصلحت تعداد آنها را معادل یک چهارم جمعیت کشور اعلام کرد. در واقع تعداد این گروه از مردم بسی بیشتر و به نظر می رسد مقصود این عضو تشخیص مصلحت از اعلام این رقم برای پوشاندن ابعاد واقعی فاجعه بوده باشد. کما اینکه یکی دو روز بعد از طرح قضیه حسین راغفر یکی از اقتصاد دانان مستقل و از منتقدان سیاستهای اقتصادی - اجتماعی رژیم در واکنش نسبت به آمار این نماینده نوشت: "اوضاع به مراتب بدتر و وخیمتر از آمار و ارقامی است که ارایه می شود. و افزود ۵۰ درصد جمعیت ایران، زیر خط مطلق فقر هستند و در ادامه گفت

!درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر مطلق ۵۰

فقر و مصیبت‌های مردم بسیار پیچیده‌تر و عمیق‌تر از آن است که کسی بتواند این مصیبت‌ها را درک کند....

"سیستم از افزایش رفاه برای مردم عاجز است

کانال تلگرامی اتحاد بازنشستگان در گزارش کوتاهی که منتشر کرد از قول یکی از جامعه شناسان بنام میر "ظاهر موسوی، نوشت

درصد زنان سالمند تنها در ایران درآمد ندارند ۷۱

میرظاهر موسوی، جامعه‌شناس و سرپرست پژوهش «پیامدهای اجتماعی- اقتصادی زندگی زنان سالمند تنها» گفته است بر اساس یافته‌های این پژوهش بیش از ۹۰ درصد زنان سالمند تنها در ایران در سه دهک درآمدی نخست قرار دارند و ۷۱ درصد آنها هیچ منبع درآمدی ندارند. به گفته او ۱۳,۵ درصد از زنان سالمند تنها درآمدی بیشتر از یک میلیون و کمتر از سه میلیون تومان دارند و درآمد ۳,۵ درصد کمتر از یک میلیون تومان است. او گفت زنان سالمند تنهای ایرانی «به‌طور جدی مشکل معیشتی دارند و برای پرداخت هزینه‌های درمان و توانبخشی با چالش بزرگی روبه‌رو هستند



» .

یکی از روزنامه ها نیز روز گذشته از افزایش ۱۱ میلیون به جمعیت فقیر کشور طی ۱۰ سال خبر داد

کمتروزی است که در یک یا چند رسانه گزارش مشابه‌ای را نبینیم

تصاویر پیرمردی که در خیابان بساط کوچکی پهن کرده است، دختران و پسران دست فروش کم سن و سالی که ۱۲ ساعت از ۲۴ ساعت شب و روز شان را در پی سیر کردن شکمشان در حال تقلا هستند، زنان خرت و پرت فروشی که در همه جا بساط محقرشان را پهن کرده‌اند و کودکان و زنانی که مشغول حمل بارهایی هستند که از وزن خودشان سنگین تر است. به اینها همه اگر زنان و کودکانی که تا کمر در سطل های زباله برای یافتن پسماند های قابل خوردن و فروش خم شده‌اند را اگر بیفزاییم مفهوم و معنی این آمار ها برایمان قابل فهمتر می شود

پنجا درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق در کشور ما که از امکانات و منابع و ثروتهای بالفعل و بالقوه‌ای برخوردار است که می شود با استفاده درست از آنها رفاه نسبی و زندگی توأم با کرامت انسانی برای عموم مردم ایجاد کرد. به راستی مایه شرمساری و سرافندگی ست

تک به تک جمعیت کشور باید از منابع و ثروتها و درآمد کشور سهمی به اندازه هم داشته باشند و امکان آن هم در کشور وجود دارد

دولت وظیفه دارد، برای آنهایی که قادر و مایل به کار هستند کار شایسته با دستمزدی که بتوانند با آن زندگی کنند ایجاد کند و یا آنهایی را که به هر دلیل بیکار هستند و یا شرایط جسمی و روحی روانی شان امکان کارکردن به آنها را نمی دهد تامین کند

مقصر اصلی فقر و بیکاری و همه ناهنجاری های ناشی از آن به عهده حکومت است. با ایجاد کار می شود بخشی از جمعیت زیر خط فقر و فقر مطلق را نجات داد و هم یک سیستم تامین اجتماعی فراگیر قابل قبول برای کسانی که قادر به کار نیستند بوجود آورد

در بسیاری از کشورها که منابع ما را ندارند سیستم های تامین اجتماعی فراگیر را بوجود آورده‌اند. این در حالی است که حکومت با غارت سرمایه ها تامین اجتماعی و تغییر قوانین کار و اجتماعی این سازمان را بسوی نابودی سوق می دهد. تظاهرات همه روزه بازنشستگان در همه شهرهای کشور گویای نارضایتی شدید بازنشستگان از وضعیت رقتبار زندگی شان دارد. این یعنی سیستم تامین اجتماعی بهمان دلایلی که گفته شد فشن شده است و جوابگوی وضعیت امروز نیست

همانطور که ذکر شد تامین اجتماعی در یک شرایط اقتصادی – سیاسی مناسب و مصون از دست اندازی دولت می تواند سر پای خود بایستد. اما در شرایط کنونی نیز امکانات متعددی برای تامین بودجه تامین اجتماعی فراگیر در کشور و رهایی نیمی از جمعیت کشور از زیر خط فقر وجود دارد

هزاران قطعه ملک و کارخانه و مزرعه و معدن، بعد از انقلاب ۵۷ مصادره و به دست حکومت افتاده است. این اموال در اختیار بنیاد مستضعفان برای کمک به مستضعفان قرار گرفته. ولی کیست که نداند اموال و درآمدهای نجومی این بنیاد صرف همه چیز می شود الی مستضعفان

بنیاد های دیگری هم هستند که بخش دیگری از ثروتها را در اختیار گرفته‌اند و نه حساب و کتابی به کسی پس می دهند و نه مالیات درآمدهایشان را



بنیادی که بنام خمینی بوده و در اختیار خامنه‌ای قرار دارد گفته می‌شود بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار ثروت دارد یکی دیگر از منابع مالی است که ظاهراً برای کمک به فقرا شکل گرفته، اما صرف امور دیگری می‌شود. ثروت عظیم وقفی و اوقاف که کارتل امام رضا تنها یکی از آنهاست و به قصد اختصاص به امور خیر وقف شده‌اند از منابع دیگر برای تامین اجتماعی فراگیر است. همه این ثروت‌های عظیم هم اکنون در دست روحانیون و وابستگان حکومتی قرار دارد و از آنها در اموری استفاده می‌شود که ربطی به امور خیریه ندارد.

اگر در کشور یک سیستم تامین اجتماعی مناسب وجود داشته باشد که زندگی مردم نیازمند را تامین کند چه نیازی به سازمانهای خیریه است. آنهایی که اموال خود را وقف کرده‌اند مگر اختیار آن را به روحانیون سپرده‌اند تا هر طور که خواستند از آن استفاده کنند؟

وجود پنجاه درصد مردم زیر خط مطلق فقر حکم یک بمب ساعتی را دارد که تیک تیک دقیقه شمار آن را حاکمان و خالقان این جمعیت که خودشان را به کری زده‌اند نمی‌خواهند بشنوند. این انفجار اگر زودتر فکری به حال آن نشود رخ خواهد داد

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

متحدانه برای جلوگیری از تغییر قانون کار اقدام کنیم!

صادق



در این هفته جزئیات بیشتری از چند و چون تصمیم حکومت به از بیخ و بن برکندن ریشه قانون کار و بی حقوق سازی کامل کارگران توسط برخی نمایندگان "مجلس انقلابی" خامنه‌ای و وابستگان حکومتی رونمایی شد. از مجموع اظهاراتی که تا کنون در این خصوص انجام گرفته روشن می‌شود آنچه زیر عنوان



"اصلاح" قرار است انجام شود چیزی جز محو کامل حقوق کارگر و تغییر یک طرفه قانون کار به قانونی تماما کارفرمایی و ضد کارگری و تشدید استثمار طبقه کارگر توسط سرمایه داران حاکم نیست

نکته قابل تامل دیگر شتاب و عجله‌ای است که برای به سرانجام رساندن آن قبل از پایان دوره نکیست بار مجلس صورت می‌گیرد و بقول معروف می‌خواهند تا تنور بساط کشتار و سرکوب داغ است کار قانون کار را توسط ارتجاعیون جمع شده قوای سه گانه یا همان حکومت به قول خودشان یکدست تمام کنند

علت این شتاب روشن است. نگران ادامه جنبش و از رفتن فرصت هستند

ولی اسماعیل زاده نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس "جمعه صبح در خبرگزاری ایلنا اذعان کرد که ۹ بند از قانون را می‌خواهند اصلاح کنند. نایب رئیس کمیسیون مجلس در ادامه افزود: "منتظر هستیم که دولت این لایحه را به صورت دوفوریتی اعلام کند و ما هم هرچه زودتر در کمیسیون آن را بررسی کرده و به "صحن مجلس بیاوریم"

البته اسماعیل زاده بواسطه نگرانی از واکنش‌هایی احتمالی در توضیحات اش از جزئیات موارد اصلاحی و تغییراتی که قرار است به عمل آید توضیحی نداد ولی روشن کرد که بین مجلس و دولت تبه‌کار رئیسی در این خصوص توافق وجود دارد

کما اینکه وزیر کار دولت رئیسی نیز چند روز زودتر بدون اینکه توضیحی در مورد موارد اصلاحی بدهد بر آماده شدن لایحه برای ارسال به مجلس تاکید کرده بود

لایحه مذکور چنان با عجله و با چراغ خاموش تهیه شده که حتی صدای روزنامه جهان صنعت ارگان سرمایه داران صنعتی را نیز درآورده است. این روزنامه در مقاله‌ای که به این موضوع اختصاص یافت از قول حسین حبیبی عضو شورای هماهنگی شوراهای اسلامی انتقاداتی را که هم به فرایند تهیه لایحه و هم به اصلاحات وارد است بازنشر داد و نوشت

اخیرا پیش‌نویس لایحه اصلاح موادی از قانون منتشر شد و اوایل هفته گذشته نیز وزیر کار از تدوین مراحل پایانی این لایحه برای ارائه به مجلس خبر داد. برخی این لایحه اصلاحی را به نفع کارگران می‌دانند و از آن به عنوان یک اقدام مثبت یاد می‌کنند. اما اصلاح قانون کار هیچ زمانی مورد حمایت کارگران و فعالان کارگری نبوده است. آنها همواره به اقدامات اینچنینی برای اصلاح قانون کار با بدبینی نگریسته‌اند و البته تاریخ نیز بر بدبینی صحن گذاشته است. بر همین اساس فعالان حوزه کارگری نیز معتقدند که براساس قانون هر نوع اصلاحی در قانون کار باید سه‌جانبه و از مجرای «شورای عالی کار» بگذرد، در واقع نمی‌توان قانون کار را که بالاترین سند مربوط به زندگی میلیون‌ها کارگر در کشور است به صورت یکطرفه در کمیسیون‌های دولت اصلاح کرد و آن را بدون نظرخواهی و مشارکت کارگران به مجلس فرستاد

تغییرات مد نظر حکومت در این لایحه بقدری ارتجاعی، ضدکارگری و یک طرفه هستند که بر خلاف قانون خودشان نه در شورای عالی کار مطرح شده‌اند و نه حتی قبل از تهیه لایحه تشکلهای وابسته به قدرت را در جریان آن قرار داده‌اند. یعنی در واقع لایحه غیر قانونی تهیه شده ولی با این اوصاف نه دولت و نه مجلس که علی‌الظاهر مسئول رعایت قانون هستند، قانون خودشان را زیر پا نهاده‌اند. من در مطلبی که جمعه گذشته در جنگ کارگری شماره ۲۲۳ نوشتم به تغییراتی که در قانون کار می‌خواهند انجام دهند و پیامدهای آن به تفصیل توضیح دادم. مطالب دیگری که در این هفته در خصوص تغییرات که بخشی از برنامه هفتم توسعه هستند منتشر شد معلوم کرد که دایره تغییرات به مراتب وسیعتر از آن است که اطلاعات پیشین نشان می‌داد. بعنوان مثال دستمزد کارگر در سه سال اول نصف حداقل دستمزد رسمی خواهد بود



، در ماده ۱۵ به کارفرمایان اجازه داده می‌شود که «در سه سال اول اشتغال اشخاص، دستمزد ماهیانه " آنها را به اندازه نصف حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار» پرداخت کنند... در ماده ۱۶ به کارفرمایان اجازه داده شده است که «به افراد با شرایط خاص که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند، کمتر از حداقل دستمزد مصوب سال» پرداخت کنند". افرادی هم که از سوی سازمان زندان‌ها

این لایحه در شرایطی تهیه شده که کمر کارگران زیر بار گرانی خم شده است و موجی از اعتراضات برای افزایش دستمزد سراسر کشور را در بر گرفته است، آنوقت در چنین اوضاعی رژیم با یک کلک آخوندی-بازاری می‌خواهند همین حداقل دستمزد را که یک چهارم هزینه‌های اولیه زندگی را به زحمت کفاف می‌دهد نصف کنند.

به هر حال شواهد نشان می‌دهند که رژیم مصمم است به رغم همه اعتراضات و مخالفتها، این تغییرات ضد انسانی خود در قانون کار را به انجام برساند. در حال حاضر تنها با گسترش اعتراض و اعتصاب سراسری و سازماندهی کمیته‌های اعتصاب در محل‌های کار است که می‌شود جلوی تصویب لایحه را گرفت. در صورت تصویب امکان لغو آن بسیار دشوارتر خواهد شد.



وقتی حکومت منفوری در چنین شرایطی چنین تصمیماتی می‌گیرد، معلوم می‌شود که به هیچ صراطی مستقیم نیست و ادامه حکومت اش برای کارگر و زحمتکش به جز تشدید فقر و گرسنگی، رنج و استثمار و سرکوب نخواهد داشت. همان بهتر که کمک کرد تا هرچه زودتر گورش را گم کند و ملتی از شرش راحت گردد.

نامه سرگشاده‌ی کارگران، معلمان و تشکلهای مختلف: اخراج هیات جمهوری اسلامی از آی ال او خواست ما کارگران



ما امضا کنندگان این نامه هیات‌های نمایندگی شرکت‌کننده در یکصد و بازدهمین اجلاس سازمان جهانی کار، را مورد خطاب قرار می‌دهیم و توجه آن‌ها را به سرکوب اعتراضات کارگران و مردمی در ایران جلب می‌کنیم.

طی سالیان گذشته، به‌خصوص در دو ساله اخیر سیاست‌های اقتصادی دولت ایران، فقر و فلاکت گسترده‌ای را برای عموم مردم، به‌ویژه برای مزدبگیران و کارگران ایجاد کرده است. قتل مهسا امینی (ژینا امینی) در شهریور ماه سال گذشته آتشی بر خشم مردم از اینهمه بی‌تامینی و زندگی فلاکت‌زده و جنبش زن زندگی آزادی بر آمدی از این اوضاع و علیه کل بساط فقر و فلاکت و استثمار حداکثری حاکم است. اما جای بسی تاسف است که پاسخ اعتراضات برحق ما کارگران، ما معلمان، ما بازنشستگان و فعالین دفاع از حقوق کودک و ما مردم چیزی جز سرکوب گسترده نبوده است. از جمله در طول این جنبش عظیم مردمی چندین هزار از مردم دستگیر و زندانی شده اند که در میان آنان کودکان و دانش آموزان هم دیده میشوند.

همچنین بر اساس آمارها دستکم ۵۰۰ نفر به قتل رسیده اند.

در همین راستا در دو سال اخیر فعالین کارگری، معلمان معترض و دیگر فعالین اجتماعی و تشکلهای صنفی مورد بیشترین سرکوب ها قرار گرفته اند.

لیست شماری از این زندانیان عبارتند از:

کارگران و فعالین مدافع حقوق کارگر زندانی: کمال کریمی، شادمان عبدی، عبدالله خیرآبادی، سیروان محمودی، اقبال پیشکاری، هاجر سعیدی، خبات محمودی و حبیب‌الله کریمی، رضا شهابی، آرش جوهری، حسن سعیدی، نسرين جوادی، میلاد رابعی، عباس دریس، اسد مفتاحی، پیمان سالم، عرفان کهزاد، ... داوود رضوی، کیوان مهتدی، مهران رئوف، سپیده قلیان، ابوالفضل غسالی، و

معلمان زندانی:

رسول بداقی، اسماعیل عبدی، جعفر ابراهیمی، عزیز قاسمزاده، انوش عادلای، محمود صدیقی پور، فرزانه ناظران پور، هاشم خواستار، مهدی فتحی، حسین رمضانپور، امید شاه محمدی، محمد قناتی، فرزاد صفی‌خانپور، فاتح عثمانی، ناهید شیرپیشه، محمد حسین سپهری، غلامرضا اصغری، زینب هم‌رنگ، جواد لعل مهدی

در کنار این افراد هم اکنون شماری از زنان معترض به جرم نداشتن حجاب و نیز دانش آموزان، دانشجویان و فعالین سیاسی دیگر که بخش عمده آنها از بازداشت شدگان جنبش زن زندگی آزادی هستند در زندانند

همین لیست طویل نشان میدهد که در ایران چه خبر است و چگونه پایه ای ترین حقوق انسانی مردم نقض میشود

از جمله حاکمیت آپارتاید جنسی و سرکوب زنان با چماق حجاب هم در سطح اجتماعی و هم در محیط های کار آنها را زیر بیشتر فشار و سرکوب قرار داده است

از همین رو یک محور خیزش مردمی هشت ماه کنونی دفاع از حقوق زن است که خود را در شعار زن زندگی آزادی بیان میکند



ما امضا کنندگان این نامه به عنوان بخشی از یک جنبش عظیم اجتماعی در حال غلیان و نیز بمثابة بخشی از جنبش کارگری معترض علیه وضع موجود، تلاش میکنیم که صدای این جنبش، صدای اعتراض همه کارگران و مردم معترض ایران باشیم.

ما از هیات های نمایندگی اتحادیه های شرکت کننده در این اجلاس درخواست داریم که این سرکوبگرها و نقض فزاینده حقوق کارگران و معلمان و به خصوص نقض حق تشکل یابی مستقل و حق برپایی تجمع و اعتراض که پایه ای ترین حقوق مردم در هر جامعه است را محکوم کنند.

ما از هیات های نمایندگی کارگری شرکت کننده در اجلاس همچنین میخواهیم که سرکوب تشکل های مستقل صنفی و کارگری و اعضای آنها توسط دولت ایران را محکوم کنند.

ما از نمایندگان کارگری حاضر در کنفرانس بین المللی کار می خواهیم که اعتراض خود نسبت به این اقدامات سرکوبگرانه را به هیات نمایندگی دولت ایران اعلام کنند.

این هیات ها ما کارگران، ما معلمان و ما مردم ایران را نمایندگی نمیکنند.

نمایندگان «اتحادیه های کارگری» شرکت کننده از ایران، نمایندگان تشکلهای دولت ساخته هستند.

ما همچنین به مامشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی و سرکوبگریهایش اعتراض داریم.

در پایان ما امضا کنندگان این نامه به طور مشخص از هیات های کارگری شرکت کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار درخواست داریم موارد فوری زیر را به صورت ویژه در دستورکار اجلاس قرار داده و مصرانه تقاضا داریم که در راستای تصویب و اجرایی کردن آنها تمام تلاش خود را به کار بندند.

الف) رفع فوری و بی قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی زندانی و دستگیر شدگان جنبش زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدامها.

ب) اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و عدم اجازه به هیات این حکومت برای شرکت در اجلاس.

امضا کنندگان:

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری

شورای بازنشستگان ایران

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

سندیکای نقاشان استان البرز

مدافعان لغو کار کودکان

خرداد ۱۴۰۲، مه ۲۰۲۳



اعتراض کارکنان بیمارستان نبی اکرم عسلویه به حذف برخی مزایا
ایلنا: جمعی از کارکنان بیمارستان تامین اجتماعی نبی اکرم در عسلویه، به حذف برخی مزایا و آف‌های شبکاری خود اعتراض کردند



اعتراض بازنشستگان پشت در کاخ ریاست جمهوری

معترضان مقابل دفتر رئیسی دست به تجمع زدند

تعدادی از بازنشستگان مس سرچشمه در خیابان پاستور مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند *

این بازنشستگان خواستار بازگشت استقلال صندوق مس هستند و می‌گویند: اینکه صندوق خصوصی مس را به زیرمجموعه وزارت * رفاه منتقل کرده‌اند، اصلاً برای ما قابل قبول نیست؛ ما پیش از این بارها مطالبه‌گری و اعتراض کردیم؛ صندوق مس باید مستقل بماند



اعتراض کارگران ابنیه فنی زنجان به مطالبات معوقه

یک منبع کارگری در راه آهن شمال غرب به خبرنگار ایلنا گفت: شماری از کارگران ابنیه فنی راه آهن زنجان در ناحیه ریلی شمال غرب که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکار مشغول کارند، صبح امروز با حضور در مقابل ساختمان حوزه بسیج امام خمینی (ره) به عدم پرداخت سه ماه حقوق و حدود دو سال حقوق و مزایا توسط کارفرما اعتراض کردند. به گفته این کارگر؛ هنوز سه ماه حقوق و حدود دو سال مزایا خود را دریافت نکرده ایم به همین دلیل شمار زیادی از کارگران به دلیل دریافت نکردن به موقع حقوق در وضعیت معیشتی خوبی به سر نمی‌برند.



ادامه اعتراضات خیابانی بازنشستگان در چند شهر

به گزارش خبرنگار ایلنا، امروز (۷ خرداد ماه) جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی در کرمانشاه و رشت و نیز شهرستان‌های شوش، کرخه و هفت تپه در خوزستان با تجمع مقابل ساختمان ادارات تامین اجتماعی خواهان توجه به مطالبات و خواسته‌های خود شدند. این بازنشستگان، مهم‌ترین خواسته‌های خود را اجرای ۲۵ درصد باقیمانده متناسب‌سازی و اعمال نشدن ضریب افزایش سال گذشته اعلام کردند.

بازنشستگان مخابرات نیز برای چندمین بار در سه شنبه این هفته در ۱۲ شهر اعتراض خیابانی سراسری برگزار کردند.



۸ خرداد ۱۴۰۲: پرونده سازی جدید علیه فعالین کارگری زندانی،
حسن سعیدی، رضا شهابی و کیوان مهتدی



از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت
تحمیلی حمایت می کنیم!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!



زرتشت احمدی راغب به ۵ سال و ۸ ماه حبس و مجازات های تکمیلی محکوم شد

زرتشت احمدی راغب، فعال مدنی محبوس در زندان اوین، توسط دادگاه انقلاب تهران به پنج سال و هشت ماه حبس و مجازات های تکمیلی محکوم شد.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را
می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>